

گفت‌وگوی «وطن امروز» با نویسنده کتاب «در آغوش نیل» با موضوع سنت الهی در نگاه رهبر شهید

هر مصر فرعونی، موسی دارد



میلاذ جلیل‌زاده

عبارت «سنت الهی» را خیلی از کسانی که در جغرافیای فرهنگ اسلامی زیست کرده‌اند بسیار شنیده‌اند اما معلوم نیست که همه آنها به واقع و به طور عمیق، با این مفهوم آشنا باشند و کاربردهایش را بدانند. در دنیای امروز مرتب صحبت از «نظریه بازی‌ها» و بعضی موارد شبیه به آن می‌شود که سعی می‌کنند پدیده‌ها را به شکلی مادی و زمینی توضیح دهند اما نگاهی که پیش رفتن کار و بار جهان را بر اساس سنت الهی می‌بیند و البته جبری‌گرا نیست و برای اراده انسان‌ها هم نقشی در تحقق وعده‌های خداوند قائل شده، چیز دیگری است که یک نقطه طلایی برای فهم مفهوم حکومت دینی در مقابل منطق سکولار به دست می‌دهد. پس از دوره صدر اسلام، در جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار این مفهوم توانست به تمام معنا، مبنای حکمرانی یک نظام سیاسی قرار بگیرد و جزئیات و ریزه‌کاری‌هایش و روش‌های پیاده‌سازی آن دیده شود. پیش از این بزرگانی مثل شهید مطهری و شهید صدر در این باب بحث‌های مستوفیایی کرده بودند اما مظهر عملی چنین دیدگاهی، امام خمینی(ره) و امام شهید انقلاب بودند. رهبر شهید انقلاب، آنجا که مدت طولانی‌تری بر مصدر این جریان قرار داشت، نمونه قابل مطالعه‌تری به دست می‌داد؛ این نکته‌ای است که مه‌ران کریمی مؤلف کتاب «در آغوش نیل» به ما می‌گوید. مه‌ران کریمی در این کتاب تمام صحبت‌هایی را که آیت‌الله سعیدی‌خلع‌خانی در طول چند دهه درباره سنت الهی بیان کرده بودند جمع‌آوری کرده، بخش‌های هم‌پوشان و تکراری را کنار گذاشته و موارد باقی مانده را با تقسیم‌بندی در چند فصل موضوعی به شکل کتاب در آورده است. این البته می‌تواند یک نقطه شروع باشد و ادامه‌گستره پژوهش‌ها و تحلیل‌ها بر مبنای همین کتاب می‌تواند بیشتر هم شوند و در ضمن، تطبیق این نظریه با موارد عملی در سیره آیت‌الله شهید خامن‌ای و امام راحل انقلاب می‌تواند یکی دیگر از مسیرهای پیش رو در این زمینه برای محققان و اندیشمندان باشد. ایده تألیف چنین کتابی چنانکه خود مؤلف آن می‌گوید، مبتنی‌ها قبل از جنگ رمضان به ذهن نویسنده رسیده بود اما انتشار آن هم‌زمان شد با یکی از عاشورایی‌ترین نبردهای تاریخ جهان که در ابتدای مسیرش پدر امت به شهادت رسیده بود. استقبال از کتاب «در آغوش نیل» شاید به همین سبب بسیاری بالاتر از حد توقع بود و چنین اتفاقی را هم می‌توان در کنار هزار و یک رویداد دیگر، یکی دیگر از مصادیق بعثت امت دانست؛ همان چیزی که رهبر شهید مطایق با باور به سنت الهی، وعده‌اش را داده بود. در ادامه گفت‌وگوی ما با مه‌ران کریمی، نویسنده کتاب «در آغوش نیل» را می‌خوانید.

■ ایده نگارش کتاب برای شما چه زمانی ایجاد شد؟ یعنی قبل از شهادت آقا به این موضوع فکر کرده بودید؟
تقریباً از یک‌سال و نیم پیش قبل از شهادت آقا به آن رسیدم. بحث سنت الهی در دستگاه فکری ایشان خیلی پررنگ مطرح می‌شود و خیلی موضوع بنیادینی است و جایگاه خاصی در نوع مواجهه ایشان با دشمن دارد. با این حال پژوهش، کتاب و به طور کل محتوای جامعی درباره این موضوع وجود نداشت. به همین دلیل ما توجه‌مان جلب شد که روی این موضوع برویم کار کنیم و از همان موقع پژوهش را شروع کردیم. منتهای یکی دو مرحله کار دچار بازنگری و اصلاح و تکمیل شد و زمان‌بندی انتشار آن عملاً به این صورت شد که تلافی پیدا کرد با شهادت حضرت آقا و بعد از شهادت ایشان نیز منتشر شد.

■ یعنی در مورد سنت الهی به طور منسجم کار نشده بود یا در مورد نگرش آیت‌الله شهید سید علی خامن‌ای نسبت به سنت الهی کار نشده بود؟
موضوع سنت‌های الهی و تاریخی، حال مخصوصاً از منظر قرآنی، بحثی بود که بعضی متفکرین دیگر جهان اسلام مثل شهید صدر و شهید مطهری در مورد آن کارهایی انجام داده بودند. مخصوصاً شهید صدر در این زمینه کتاب دارند اما به‌رغم اشارات زیادی که آقا خامن‌ای به این موضوع داشتند و جایگاه مهمی که این بحث در اندیشه ایشان داشته است، ما تا قبل از این کتاب، پژوهش جامعی در این موضوع درباره ایشان نداشتیم.

■ می‌گردد؟ مثلاً علم کلام، فلسفه یا حکمت؟

یک سویه مهم این بحث از لحاظ تقسیم‌بندی علوم به مساله فلسفه تاریخ برمی‌گردد. این بحث هم در تمدن غرب، هم در حوزه جهان اسلام سابقه دارد و فیلسوفان، متفکران و حکما وارد موضوع فلسفه تاریخ شده‌اند؛ اینکه حرکت تاریخ به چه صورتی است، چه سیرتی دارد، محرک‌های حرکت تاریخ و غایت حرکت تاریخ چیست و امثال اینها. سنت‌های الهی، نگاه اسلامی- شیعی به مساله فلسفه تاریخ را تا حد قابل توجهی توضیح می‌دهد. از جنبه دیگر، بحث یک سویه الهیاتی دارد و مخصوصاً حال در نگاه خود حضرت آقا به مساله تفسیر و قرآن‌پژوهی هم مربوط می‌شود، چون غلظت مباحث قرآنی در این بحث خیلی بالاست و اساساً مشاکله بحث قرآنی است، لذا تلفیقی از موضوع الهیات و قرآن‌پژوهی با اندیشه تاریخی در کار است.

■ این موضوع جنبه کلامی پیدا نمی‌کند؟
قاعدتاً این هم است. وقتی صحبت از رویکرد کلامی هم است رویکرد درون‌دینی به مساله فلسفه تاریخ را برننگ می‌بینیم. یعنی از نگاه دین، از نگاه الهیاتی اسلام و نگاه اسلامی، سیرورت حرکت تاریخ و شکل‌گیری تحولات جوامع بشری و چگونگی جاری شدن اراده الهی در تاریخ را به شکل الهی توضیح می‌دهند.

■ شما اشاره کردید به شهید مطهری و شهید صدر که قبل از آیت‌الله شهید خامن‌ای به این مساله توجه داشتند. قبل از آقای خامن‌ای - اگر به آنمه و آن بحث‌های صدر اسلام کاری نداشته باشیم- آیا کسی بوده که با این باور حکمرانی انجام داده باشد، یعنی ما نسخه عملی و عملیاتی آن را در حکمرانی دیده باشیم؟

در تاریخ اسلام و تاریخ شیعه به شکلی که علما در رأس امور باشند و مساله ولایت فقیه حاکم باشد را ما تقریباً ندانستیم. یعنی حتی حکومت‌های شیعی هم که در طول تاریخ قبل از جمهوری اسلامی داشتیم، مثل آل‌بویه یا صفویه، آنها هم سیستم سلطنت و پادشاهی و خلافت‌شان برپا بوده است. علماً نهایتاً نقش مکمل را داشتند یا مثلاً نقش‌های این‌چنینی. نقشی که خود یک عالم فقیه، مثلاً اسلام‌شناس یا قرآن‌شناس در رأس امور باشد و این تجربه را تبدیل به یک تجربه حکمرانی کند، نداشتیم. از این حیث خود حضرت امام رحمت‌الله علیه و خود آقای شهید، شاید تجربه‌هایی بی‌بدیل و بدون نمونه مشابه در تاریخ باشند. حضرت آقا که بیشترین سال‌های زمامت را به این معنا داشتند، نزدیک به ۴ دهه و با همین نگاه حکمرانی قرآنی و اتکا به سنت‌های الهی، جامعه را حکمرانی کردند و مواجهه ما با دشمن، سازماندهی اجتماعی ما، بحث جامعه‌پروری و نظام‌سازی سیاسی و اینها را دنبال کردند، در این زمینه نمونه ویژه‌تری هستند.

■ مباحث «سنت الهی» ممکن است خیلی‌ها را یاد نظریه بازی‌ها بیندازد یا یک نوع نگاه جایگزین با آن باشد. اما در آن نظریه بازی‌ها یک نگاه نسبی‌گرا به دنیا وجود دارد، حال آنکه در سنت الهی قرار است حق و باطل پیروز شود، تاریخ جهت دارد و در مسیر مشخصی حرکت می‌کند؛ به نظر خود شما سنت الهی می‌تواند جایگزین نظریه بازی‌ها باشد یا اینها ۲ چیز موازی هستند؟

معرفت‌شناسی و نگاه فلسفی‌ای که در نگاه دینی وجود دارد، از نگاه‌هایی که در فلسفه جدید غرب و دوران مدرنیته و اومانیزم به وجود آمده، متفاوت و متمایز است. آنجا هر چه از آغاز رنسانس جلوتر آمدیم، این فضای شکاکیت و نسبی‌گرایی بیشتر شده تا جایی که اصلاً منزلت عقل دیگر زیر سؤال رفته است اما در نگاه معرفت‌شناسی و الهیاتی اسلام شیعی، ما با یک نوع رئالیسم روبه‌رو هستیم. پس به نظرم اینها ۲ مقوله در مقابل هم هستند و نگاهی که سن حداقل در آقای شهید در مورد این‌ موضوع دیدم، این است که بحث کاملاً بحث حق و باطل است و اینکه سازوکارهای جبهه حق به چه شکل دارد کار می‌کند. از خصوصاتی که این سنت‌ها و قوانین الهی دارند این است که لایتغیر هستند، تخلف‌ناپذیر هستند، ابطال‌ناپذیرند، ثابتند و همیشه کار می‌کنند. البته نه به این معنا که جبری هستند. اکثر این قوانینی که ما احصا کردیم مورادی است که اراده انسان در آنها نقش دارد؛ یعنی کاملاً بحث عاملیت انسان در این موضوع از نگاه ایشان پررنگ است اما اصل موضوع ثابت است و دست‌خوش نسبی‌گرایی نیست.



به مناسبت درگذشت بهروز رضوی، گوینده پیشکسوت ایرانی

صدای صلابت و اصالت

یک رای دانست. نام اصلی او محمدرضا رضوی است که دم‌دی‌ماه ۱۳۲۶ زاده شد. او فعالیت حرفه‌ای‌اش را سال ۱۳۴۷ یعنی ۲۱ سالگی از رادیو شروع کرد؛ شعر می‌گفت، گویندگی می‌کرد و حتی در دوره‌ها با مهدی اخوان ثالث هم به همکاری پرداخت. رضوی پیش از انقلاب تنها در یک فیلم سینمایی نقشی بسیار کوتاه و فرعی داشت؛ فیلمی به نام «هر جایی» به نویسندگی سیروس الوند و کارگردانی مهدی ژورک؛ فیلمسازی که اگرچه تا حدودی برخلاف قواعد فیلمسازی حرکت می‌کرد اما بعدها سر‌نوشته سیاسی خوبی پیدا نکرد. رضوی مدت‌ها بعد از این تجربه از سینما دور بود تا اینکه سال ۶۶ مجدداً با سیروس الوند به سینما برگشت؛ این بار با فیلم «محوه». پس از آن «رد پای بر شن»؛ «محمدرضا هنرمند، «جست‌وجو»؛ از محمد

روایت غالب ایران

تولید می‌شد. در چنین شرایطی، روایت ایران توانست در برخی حوزه‌ها با روایت رسانه‌های جریان اصلی رقابت کند و حتی در مواردی بر آن غلبه یابد. البته سخن گفتن از «غلبه کامل» یک روایت بر روایت دیگر، ساده‌سازی واقعیت است. میدان افکار عمومی عرصه‌ای پیچیده و چندلایه است و هیچ بازیگری نمی‌تواند ادعا کند به طور مطلق بر آن مسلط شده است. با این حال، شواهد متعدد نشان می‌دهد در این ۱۰۷ روز ایران توانست از موضع دفاعی خارج شود و در حوزه روایت‌سازی به بازیگری فعال و تأثیرگذار تبدیل شود. این دستاورد نه صرفاً حاصل قدرت سیاسی یا نظامی، بلکه نتیجه ترکیب

■ این نظریه با رئالیسمی که امروز باب شده خویشاوندی پیدا می‌کند؟ مثلاً چیزی که جان مرشایمر، یک چهره شاخص آن است.

من نمی‌توانم قضاوت نهایی کنم، بلکه نیاز به تتبع و بررسی فلسفی و روش‌شناختی دارد که بینیم چقدر شباهت دارد و چقدر تمایز دارد ولی کلیت اینکه از حیث مبنایی و روش‌شناختی، نگاهی که ما در متفکران و حکمای اسلامی و از جمله آقای شهید می‌شناسیم و سراغ داریم، این است که با آن خط‌نمایی گرای و زیر سؤال بردن مبانی عقلی و معرفتی آن کاملاً متمایز است. حال ممکن است در نحل‌هایی از فلسفه غرب هم ما گرایاتی داشته باشیم که به این نوع نگاه رئالیستی نزدیک‌تر باشد. این بحثی است که می‌شود روی آن کار تطبیقی انجام داد.

■ نکته‌ای در مطالب کتاب بود که بخصوص در این وضعیت که الان داریم، برای همه بیشتر مهم می‌شود. آقای خامن‌ای شهید می‌گویند اگر ملت ما به وعده‌هایی که خدا داده خوشبین باشد و مقدمات وعده‌ها را فراهم کند حتماً پیروز می‌شود. ممکن است فکر کنیم اگر خودمان و تعدادی از همفکرهای مان به وعده الهی خوشبین باشیم، سعی کنیم مقدماتش را فراهم کنیم، این کافی نباشد، چون یک عده دیگر بین ما هستند که طور دیگر فکر و عمل می‌کنند. یعنی این تردید یک وقت‌هایی ما را می‌ترساند. بعد به داستان حضرت موسی اشاره می‌شود که نام کتاب هم از همان آمده است. اشاره به داستان موسی، اتفاقاً به نظر راهگشا باشد، چون در آن قوم مستضعف هم آدم‌های ناخالصی بودند اما مانع مدد الهی نشدند؛ شما که خودتان این منظومه را تدوین کردید - یعنی حتماً خیلی هم در آن غرق شدید- برای خودتان چه حقیقت و حکمتی در این باره مکشوف شد؟

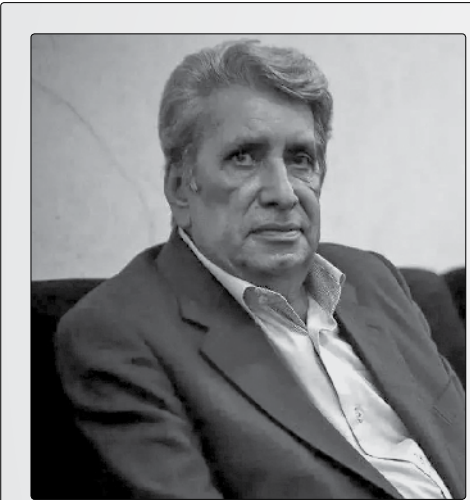
بعد از پژوهشی که انجام شد، انتشار این کتاب مصادف شد با ایام جنگ و شهادت خود آقای شهید و بعدش پیروزی‌ای که رقم زده شد. یعنی به یک معنا، اگر ما نسبت با آن داستان و مباحث قرآنی حضرت موسی و رود نیل مقایسه کنیم، یک بازآفرینی تاریخی شد. در اینجا دوباره لشکر فرعون و آن تمامیت کفر و شرک و استکبار جهانی حمله کرد به جبهه حق و جبهه مؤمنین و او از لحاظ عده، تکنولوژی و ثروت دست بالا را دارد اما اینجا بحث ایستادگی، مقاومت، ایمان و اتکا به وعده الهی مطرح است و این سازوکار و این سنت تاریخی و سنت الهی دوباره بازآفرینی شده است. آنجا هم بعضی‌ها در جبهه حق بودند که واقعاً هم در جبهه حق حضور داشتند. اما بحث تردید، انفعال، جا زدن، شک و تردید نسبت به وعده الهی را ما می‌بینیم که قرآن مطرح می‌کند اینها آمدند و مثلاً گفتند «الان فرعون و لشکریانش کار را تمام می‌کنند».

اتفاقاً حضرت موسی پاسخ به همین‌ها می‌دهد در داخل جبهه مؤمنین که خدای من با من است. خوب، ما همین را در ادبیات آقای شهید می‌دیدیم که اگر شما ایستادگی کنید، لوازم مجاهدت را انجام دهید، ایمان‌تان را داشته باشید، ولایت بین مؤمنین داشته باشید که بحث اتحاد ملی می‌شود، آن سنت‌ها کار می‌کنند و خداوند کمک می‌کند و نصرت الهی بود که این مسائل حال شما می‌شود. ما در جنگ ۴۰ روزه این را دیدیم. دشمن تنگه هرمز را نتوانست باز کند، ماجرای عجیب و غریب دشت مهبیار اصفهان و آن فیل‌های آهنین آمریکایی که آخرین تکنولوژی‌شان بود و شکست خورد و مصادیق متعدد دیگر، همه این را تصدیق می‌کنند. این بعثت مردم در خیابان‌ها که الان بیش از ۱۰۰ شب است ادامه یافته، همه مصادیق صدق وعده‌های الهی است. یعنی آن قوانین در عالم کار می‌کنند، تخلف‌ناپذیر است، به شرط اینکه ما در مسیر باشیم. نکته جالب ماجرا برای خود من نخبگان و پژوهشگران می‌توانند وارد این بحث شوند و شرح و بسط دهند؛ کارهای تطبیقی کنند و نگاه‌شان را با نگاه متفکرین جهان اسلام و بعضاً متفکرین جهان غرب مقایسه کنند. در حوزه فضای تحصیلی، یعنی بحث دانشگاه و حوزه، این نگاه می‌تواند بخشی از ترم‌ها و سرفصل‌های درسی باشد که اساساً ما این نگاه عمیق اسلامی- شیعی را منتقل کنیم و در فضای پژوهشی و مجلات، به نظرم خیلی از موضوعات مرتبط با این فضا هست که می‌تواند تبدیل به موضوعات پژوهشی شود و خلاصه کرسی‌های آزاداندیشی و مقالات به این موضوع بپردازند.

■ پس خوانش این کتاب طبیعتاً الان نسبت به قبل حال و هوای دیگری دارد؟

بله. مخصوصاً خود ما که روی کتاب کار کردیم یا دوستانی که ممکن است تامل و تدبری کنند، این حس و نگاه به آنها دست می‌دهد که اینها یک سری حرف‌های تئوریک الهیاتی صرف با سوسیه فلسفی نیست و کاملاً عینیت دارد. مثلاً در فصل آخر، ما مصادیق و شواهد را آورده‌ایم؛ هم در تاریخ انبیا و تاریخ اسلام هست، هم در تجربه انقلاب اسلامی و هم در تجربه جبهه مقاومت و جهان اسلام. آخرین نمونه‌اش از لحاظ سیر تاریخی، جنگ ۱۲ روزه است که رهبر شهید انقلاب در موردش با همین نگاه تبیین کردند. خوب در جنگ ۴۰ روزه ما ایشان را از لحاظ حیات دنیوی ندانستیم که بحث را از این منظر تبیین کنند ولی کسی که این مباحث را بخواند، خود به خود می‌بیند که بالاترین تبلورش در تجربه انقلاب اسلامی و این جنگ وجودی شکل گرفت و همه جبهه کفر با تمامیت قدرت‌شان آمدند، ولی ایستادگی شکل گرفت، ملت مبعوث شد و حتی در دوره‌ای که رهبری شهید شده و رهبری فعلی انتخاب نشده بودند، مردم چندین روز خودشان میدان‌داری کردند

چند ترانه قدیمی هم به یادگار مانده اما چنانکه اشاره شد، مهم‌ترین نقشی که از او در عالم هنر در ذهن‌ها مانده، روایتگری بود. او به عنوان روی بخشی از مهم‌ترین مستندهای ایرانی با طنین سحرآمیز صدایش جلوه‌ای آسمانی به متن‌ها می‌داد و روایتگری تاریخ یا متون ادبی و دینی دیگری را هم انجام داد که بسیار ماندگار شدند. رضوی در کنار فرخ نعمتی، ساعد باقری و احسان چرکی، یکی از راویان کتاب صوتی نهج‌البلاغه با ترجمه عبدالمحمد آیتی بود و شاید شاهکار شنیدنی‌تر او که بسیار محبوب هم شد، مجموعه روایتی از نهج‌البلاغه باشد که با ترجمه علی موسوی‌جرم‌رودی، شاعر پیشکسوت ایرانی اجرا شد. بهروز رضوی از سال ۷۴ در کرج زندگی می‌کرد و صبح روز ۲۵ خردادماه ۱۴۰۵ در همین شهر نیز از دنیا رفت.



و جهان تبدیل کند. از پرونده هسته‌ای گرفته تا حمایت از متحدان منطقه‌ای، از حضور در رسانه‌های بین‌المللی تا بهره‌گیری از ابزارهای نوین فرهنگی و دیجیتال، مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم داده‌اند تا روایت ایران در بسیاری از حوزه‌ها شنیده شود، بازنشر یابد و بر ذهن مخاطبان اثر بگذارد؛ دستاوردی که در دنیای امروز، کمتر از موفقیت در میدان‌های دیگر نیست. کار به جایی رسید که یهودیان اسرائیلی - آمریکایی شبیه به «آلون میزراحی» نیز روایت ایران را در ایکس بازنشر می‌کردند و برای افکار عمومی این چیزی جز پیروزی یک روایت نیست.



یادداشت

ادامه از صفحه ۲

این تحول ساختاری، فرصتی مهم برای بازیگرانی مانند ایران فراهم کرده تا بدون برخورداری از قدرت رسانه‌ای سنتی غرب، بتوانند صدای خود را به مخاطبان جهانی برسانند. در جریان این ۱۰۷ روز نیز این مساله به وضوح قابل مشاهده بود. بسیاری از روایت‌هایی که در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شد، نه از سوی رسانه‌های رسمی، بلکه توسط کاربران عادی، فعالان رسانه‌ای مستقل و تحلیلگران غیررسمی